

راز جاودانگی قیام سرخ عاشورا

قسمت دوم

محمدتقی سبحانی نیا

تدبیر پیشوایان دین در زنده نگاه داشتن راه سیدالشهداء - علیه السلام -

پس از شهادت حسین بن علی - علیه السلام - حکومت همواره در تصرف حاکمان فاسد و جائر بود و ستمگران بر جوامع مسلمین سیطره داشتند. از آنجا که خوی ستمگری هیچ گاه با ظلم‌ستیزی و عدالت‌خواهی و برقراری احکام شریعت نبوی در جامعه سر سازش نداشته است، حاکمان فاسق و ستم‌پیشه را بر آن داشته بود که به مبارزه همیشگی با چنین روحیه‌ای در میان مردم و رعایای خود بیندیشند. از این رو، در طول تاریخ، نوک پیکان سردمداران دنیاطلب و ستمگر به سمت کانون عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی، یعنی نام مبارک حسین بن علی - علیه السلام - بوده است.

آنان تمام تلاش خود را در محو کردن نام، یاد و خاطره شهادت او، به عنوان سرچشمه‌ای پاک و زلال برای نجات مردم ضعیف و ستمدیده مصروف داشته‌اند؛ زیرا تنها در آن صورت بود که می‌توانستند حکومت خود را از حاشیه امنیتی بالایی برخوردار نمایند و آسایش خاطر آشفته خود را فراهم آورند.

از این رو بنی امیه، حسین بن علی - علیه السلام - را به شهادت رسانید، اما بنی عباس در حالی که به نظر می‌رسید به دلیل دشمنی با بنی امیه باید از عمل آنها بی‌زاری جوید، تلاش وسیعی را در تخریب و نیز به آب بستن قبر مطهر آن حضرت و شخم زدن آن با هدف محو آثار امام حسین - علیه السلام - به انجام رسانید.

در چنین فضایی بدیهی است که سخن از مبارزه با ظلم و ظلم‌ستیزی حسین بن علی - علیه السلام - امری نه تنها دشوار، بلکه نزدیک به محال می‌نمود و برای زنده نگاه‌داری نام و یاد و به تبع آن راه حسین - علیه السلام - باید چاره‌ای دیگر اندیشید و سیاستی دیگر برگزید.

راه اشک و ماتم تدبیری بود که نه تنها امامان پس از سیدالشهداء - علیه السلام - آن را انتخاب کردند، بلکه قبل از آن پیامبر اکرم - صلی‌الله علیه و آله وسلم - و امامان پیشین نیز آن را برگزیده بودند و خط‌دهی آن نیز از سوی خداوند متعال صورت پذیرفته بود.

روایاتی که گریه بر ابا عبدالله - علیه السلام - را توصیه می‌کند، تنها به ائمه پس از امام حسین - علیه السلام - خلاصه نمی‌شود؛ بلکه براساس برخی روایات از زمان حضرت آدم ابوالبشر شروع شده و در زمان پیامبران بعدی نیز تداوم یافته

ص: ۱

است، تا آنگاه که حسین - علیه السلام - چشم به جهان گشود و قدوم مبارکش را بر این عالم خاکی نهاد. آنگاه که برای نخستین بار فُدّاقه نورانی‌اش در آغوش جد بزرگوارش حضرت ختمی مرتبت - صلی‌الله علیه وآله وسلم - آرام گرفت، ناگاه قطرات اشک پیامبر همچون مروارید غلطان از محاسن شریفش بر فُدّاقه حسین - علیه السلام - افتاد و تعجب همگان را برانگیخت.

کثرت روایاتی که در آنها یا گریه بر امام شهید سفارش و برای آن فضیلتها و پاداشهای فراوانی ذکر شده یا حاکی از گریه خود معصومان - علیهم السلام - بر آن امام همام می‌باشد، از اهمیت بسیار این عمل و تأثیر عمیقش در بین شیعیان و مؤمنان خبر می‌دهد.

همچنین در روایات اهل بیت - علیهم السلام - برای گریه بر سالار شهیدان، ثواب بسیار قرار داده شده و برخی از معصومان هدایای گرانبهائی به شاعران و مرثیه‌سرایان ابا عبدالله - علیه السلام - عطا می‌کردند؛ معصومان حتی تباهی و شرکت در مجالس عزاداری آن حضرت را در نزد خداوند بی‌اجر و پاداش ندانسته‌اند.

بدیهی است که این همه تأکید و سفارش بر مشارکت در برپایی عزاداری بر حسین - علیه السلام - تنها به صرف زنده نگاه داشتن نام و یاد سیدالشهداء - علیه السلام - نیست، مگر آنکه در پس آن تأثیری مهم و حیاتی وجود داشته باشد که در واقع نیل به آن آثار، توجیه‌گر حجم زیاد تأکیدها بوده است، و البته اگر غیر از آن بود، امکان توجیه را با مشکل روبه‌رو می‌ساخت.

ما در اینجا تنها به ذکر چند نمونه از آن روایات که حاکی از عنایت حجج الهی - علیهم السلام - بر این مهم است، بسنده می‌کنیم:

۱- گریه پیامبر - صلی‌الله علیه وآله وسلم -

ام سلمه نقل می‌کند:

«كان النبي - صلى الله عليه وآله وسلم - جالسا ذات يوم في بيتي فقال: لا يدخلن علي احد فانتظرت فدخل الحسين فسمعت نشيج النبي - صلى الله عليه وآله وسلم - فإذا الحسين في حجره - او الى جنبه - يمسح رأسه و هو يبكي فقلت له: واللّه ما علمت حتى دخل فقال لي: انّ جبرئيل كان معنا في البيت فقال: أتُحِبّه؟ فقلت: نعم، فقال: ان امتك ستقتله بأرض يقال لها كربلاء فتناول جبرئيل من ترابها فأراه النبي - صلى الله عليه وآله وسلم - .» (۱)

«روزی پیامبر در حجره من نشسته بود و به من فرمود: مراقب باش کسی بر من وارد نشود. من منتظر بودم که حسین داخل شد. ناگاه صدای پیامبر را شنیدم و آن هنگامی بود که حسین در دامنش - یا در کنارش - نشسته بود و پیامبر دست بر سرش می‌کشید و گریه می‌کرد. به آن حضرت عرض کردم: به خدا سوگند که متوجه داخل شدن حسین نشدم. فرمود: جبرئیل

با ما در خانه بود. پس به من گفت: آیا حسین را دوست داری؟ گفتم: آری. گفت: همانا امت تو بزودی او را در زمینی که نامش کربلاست به شهادت می‌رسانند، آنگاه جبرئیل مقداری از خاک آنجا را به من داد. پیامبر نیز آن خاک را به من نشان داد.»

-۲ گریه امام علی - علیه السلام -

علی - علیه السلام - در توصیه به گریه بر حسینش می‌فرماید:

«کل عین يوم القيامة باكية و كل عین يوم القيامة ساهرة الا عين اختصه الله بكرامته و بکی علی ما ينتهک من الحسین و آل محمد - علیهم السلام - .» (۲)

«تمام چشمها در روز قیامت گریان است و تمام چشمها در روز قیامت به خواب نمی‌رود مگر چشمی که خداوند آن را به سبب گریه بر حسین و خاندان پیامبر گرامی داشته است.»

نیز آنگاه که در بازگشت از صفین از سرزمین کربلا می‌گذرد، در آن توقفی نموده، اشک از چشمان مبارکش جاری می‌شود و می‌فرماید:

«هذا مناخ رکابهم و هذا ملقى رحالهم و هاهنا تهرق دمائهم طوبی لک من تربة علیها تهرق دماء الأحبّة.» (۳)

«اینجا محل فرود آمدن مرکبهایشان و انداختن رحلهایشان است و در اینجا خونهایشان ریخته می‌شود، خوشا به حال آن خاکی که خونهای دوستان [خدا] بر روی آن می‌ریزد.»

-۳ گریه فاطمه زهرا - علیها السلام -

از پیامبر اکرم - صلی الله علیه وآله وسلم - روایت شده است که به دخترش فاطمه - علیها السلام - فرمود:

«أتانی جبرئیل فبشرنی بفرحین یکونان لک ثم عزیت بأحدهما و عرفت انه یقتل غریباً عطشاناً، فبکت فاطمة حتی علا بکاؤها، ثم قالت: یا ابه لِمَ یقتلوه و أنت جده و أبوه علی و أنا امّه؟! قال - صلی الله علیه وآله وسلم - : یا بنیة لطلبهم الملك أما إنه سیظهر علیهم سیف لا یغمد الا علی ید المهدی من ولدک.» (۴)

«جبرئیل بر من وارد شد و من را به دو فرزند که از تو متولد می‌شوند بشارت داد، سپس تعزیت گفته شدم به یکی از آنها و دانستم که او تشنه و غریب کشته می‌شود. پس فاطمه چنان گریه کرد که صدایش بلند شد، سپس گفت: ای پدر چرا او را می‌کشند در حالی که تو جدش و علی پدرش و من مادرش هستم؟! پیامبر فرمود: دخترم آنها حکومت می‌خواهند. اما بزودی شمشیری علیه آنان بیرون می‌آید که غلاف نمی‌شود مگر به دست مهدی که از فرزندان توست.»

۴- گریه امام حسن مجتبی - علیه السلام -

پس از مسموم شدن امام مجتبی - علیه السلام - و به هنگام وداع حضرت با حسین - علیه السلام - ، وی خبر از شهادت آن حضرت داده و فرمود:

«از جدم رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - شنیدم که خبر از شهادت تو می داد و می فرمود: "او به زودی به شهادت می رسد و چهره اش از خون رنگین می شود" و سپس هر دو با هم اشک ریخته و حاضران نیز ضجه زدند و ناله سر دادند.» (۵)

۵- ذکر فضیلت گریه بر سیدالشهداء از زبان او

امام حسین - علیه السلام - در بیان فضیلت گریه بر خود می فرماید:

«ما من عبدٍ قطرت عیناه قطرة او دمت عیناه فینا دمة الا بؤاه الله بها فی الجنة حقاً.» (۶)

«هیچ بنده ای نیست که چشمانش یک قطره اشک برای ما بریزد مگر آنکه خداوند او را به خاطر آن اشک مدت مدیدی در بهشت جای دهد.»

۶- گریه امام سجاد - علیه السلام -

از مهم ترین مأموریت های امام زین العابدین - علیه السلام - زنده نگاه داشتن نام و یاد پدر بزرگوارش و ذکر مظلومیت های او بوده است. آن حضرت نزدیک به ۳۰ سال بر سیدالشهداء در آشکار و نهان گریست و بر حسین - علیه السلام - و اصحاب باوفایش ناله سرداد، هیچ گاه غذایی مقابل آن حضرت گذاشته نشد، مگر آنکه بر حسین - علیه السلام - گریست، و هیچ گاه آبی برای آن حضرت آورده نشد، مگر آنکه بر پدر بزرگوارش اشک ریخت و در پاسخ علت گریه اش می فرمود:

«فرزند رسول خدا را کشتند در حالی که گرسنه و تشنه بود و آنقدر گریه می کرد که غذایش با اشک چشمانش مرطوب می شد و آب شربش با اشکهایش خارج می گردید.» (۷)

هر گاه می دید که قصابی قصد ذبح گوسفندی را دارد به نزد او می رفت و می پرسید: آیا به این حیوان آب نوشانده ای؟ و آنگاه که پاسخ مثبت از قصاب می شنید، می گریست و می فرمود: ولی پدرم «ابو عبدالله - علیه السلام -» را سر بریدند در حالی که تشنه لب بود. (۸)

امام صادق - علیه السلام - می‌فرماید: از پدرم علی بن الحسین - علیه السلام - دلیل گریه بسیار زیادش را پرسیدند، در جواب فرمود:

«لا تلمونی فان یعقوب فقد سبطاً من ولده فبکا حتی ابیضت عیناه و لم یعلم انه مات، و نظرت انا الی أربعة عشر رجلاً من اهل بیتی ذبحوا فی غداة واحدة فترون حزنهم یدهب من قلبی.» (۹)

«مرا ملامت نکنید، همانا یعقوب یکی از فرزندان از نظرش مخفی شد درحالی که نمی‌دانست او مرده است یا نه، آنقدر گریه کرد که چشمانش سفید شد، اما من دیدم که در یک روز چهارده نفر از خانواده‌ام سربریده شدند و شما انتظار دارید داغ آنها از قلبم خارج شود!»

آن حضرت در فضیلت گریه بر سیدالشهداء می‌فرماید:

«ایما مؤمن دمت عیناه لقتل الحسین حتی تسیل علی خدّه بوّاه الله بها فی الجنّة غرفاً یسکناها أحقاباً، و ایما مؤمن دمت عیناه حتی تسیل علی خدّه فیما مسّنا من الأذى من عدونا فی الدنیا بوّاه الله فی الجنّة مَبوّاً صدق.» (۱۰)

«هر مؤمنی که بر کشته شدن حسین - علیه السلام - گریه کند تا اینکه اشکش بر گونه‌اش جاری شود خداوند در بهشت قصرهایی به او دهد که مدت زمان طولانی در آن ساکن شود و هر مؤمنی چشمانش گریان شود تا اینکه اشکش بر گونه‌اش جاری گردد به سبب آزار و اذیتهایی که از دشمن ما در دنیا به ما رسیده خداوند او را در جایگاه صدق و راستی اقامت دهد.»

-۷ گریه امام باقر - علیه السلام -

امام باقر - علیه السلام - نیز پس از گریه بر سیدالشهداء - علیه السلام - به کمیت بن زید اسدی که در رثای آن حضرت شعری خوانده بود فرمود:

«یا کمیت: لو کان عندنا مال لا عطیناک و لکن لک ما قال رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - لحسان بن ثابت: لازلت مؤیداً بروح القدس ما ذببت عنا اهل البيت.» (۱۱)

«ای کمیت! اگر مالی داشتیم حتماً به تو عطا می‌کردیم - اما چون مالی نداریم - پاداش تو همان چیزی است که پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - به حسان بن ثابت فرمود: مادامی که از ما اهل بیت پیامبر دفاع می‌کنی از تأییدات روح القدس برخوردار باشی.»

-۸ گریه امام صادق - علیه السلام -

داود رقی می‌گوید: نزد امام صادق - علیه السلام - بودم که آبی طلب نمود، و آنگاه که از آن نوشید حالش دگرگون شد و چشمانش پر از اشک گردید و به من فرمود:

«یا داود لعن الله قاتل الحسین - علیه السلام - و ما من عبد شرب الماء فذكر الحسین - علیه السلام - و اهل بيته و لعن قاتله الا كتب الله عز و جل له مائة الف حسنة و حط عنه مائة الف سيئة و رفع له مائة ألف درجة و كأنما اعتق مائة الف نسمة و حشره الله عز و جل يوم القيامة بلح الفؤاد.» (۱۲)

«ای داود! خداوند لعنت کند قاتل حسین - علیه السلام - را. به راستی بنده‌ای نیست که آب بنوشد سپس حسین - علیه السلام - و اهل بیتش را یاد و قاتلش را لعن کند مگر آنکه خداوند - عز و جل - صد هزار حسنه برای او می‌نویسد و صد هزار گناه را از نامه عمل او محو می‌گرداند و صد هزار درجه او را ترفیع می‌دهد و مانند آن است که صد هزار بنده را آزاد کرده است و او را در روز قیامت برمی‌انگیزد در حالی که قلب او شاد و خنک است.»

نیز می‌فرمود:

«من ذكر الحسین - علیه السلام - عنده فخرج من عينيه مقدار جناح ذبابة كان ثوابه على الله - عز و جل - و لم يرض له بدون الجنة.» (۱۳)

«هر کس حسین - علیه السلام - در نزد او یاد شود، آنگاه از چشمانش به اندازه بال مگسی اشک خارج شود پاداش آن عملش بر عهده خود خداست و خداوند نیز به کم‌تر از بهشت برای او راضی نمی‌شود.»

-۹ گریه امام کاظم - علیه السلام -

امام رضا - علیه السلام - درباره پدر بزرگوارش می‌فرماید:

«كان ابی - علیه السلام - : إذا دخل شهر المحرم لا يرى ضاحكاً و كانت الكآبة تغلب عليه حتى يمضي منه عشرة ايام. فإذا كان يوم العاشر كان ذلك اليوم يوم مصيبته و حزنه و بكائه و يقول هو اليوم الذي قتل فيه الحسین - علیه السلام - .» (۱۴)

«پدرم هرگاه ماه محرم فرا می‌رسید خندان دیده نمی‌شد و حزن و اندوه بر او چیره می‌گشت تا اینکه ده روز از محرم می‌گذشت و هنگامی که روز دهم فرا می‌رسید آن روز روز مصیبت و اندوه و گریه آن حضرت می‌بود و می‌فرمود: امروز، روزی است که حسین - علیه السلام - کشته شده است.»

ص: ۶

- ۱۰ گریه امام رضا - علیه السلام -

ابو بکار می‌گوید: مقداری از خاک قبر حسین بن علی - علیه السلام - که خاکی سرخ بود برداشتم و آن را به نزد امام رضا - علیه السلام - بردم. امام رضا - علیه السلام - آن خاک را در دستانش گرفته، بویید و پس از آن گریه کرد و اشک از چشمانش جاری شد. سپس فرمود: «هذه تربة جدّي» (۱۵)؛ «این تربت جدم - حسین - است».

نیز آن حضرت می‌فرمود:

«ان يوم الحسين أقرح جفوننا و اسبل دموعنا و أذلّ عزيزنا بأرض كرب و بلا و أورتنا الكرب و البلاء الى يوم الانقضاء فعلى مثل الحسين فليبك الباكون فان البكاء يحطّ الذنوب العظام» (۱۶)

«همانا در روز حسین دلهای ما جریحه دار و اشکهای ما جاری شد، عزیز ما در سرزمین کربلا ذلیل و خوار گشت و تاروز قیامت برای ما غم و اندوه به ارث گذاشت. پس گریه کنندگان باید برای کسی مانند حسین گریه کنند؛ زیرا گریه براو گناهان بزرگ را محو می‌کند».

- ۱۱ گریه امام زمان - علیه السلام -

از آنجا که امامان پس از امام رضا - علیه السلام - تحت کنترل شدید حکومت وقتشان و دائماً در حبس یا محاصره بودند درباره عزاداری آن بزرگواران در رثای جدشان حسین - علیه السلام - خبری نقل نشده؛ اما درباره حال امام عصر، حضرت مهدی - علیه السلام - در زیارت ناحیه مقدسه آمده است:

«فلأند بَنَك صباحاً و مساءً و لأبكين عليك بدل الدموع دماً حسرة عليك و تأسفاً على ما دهاك و تلهفاً حتى اموت بلوعة المصاب غصة الاكتياب» (۱۷)

«همانا برای تو صبح و شب ندبه می‌کنم و در حسرت تو، و در اندوه آن مصایبی که بر تو وارد شده، به جای اشک برای تو خون می‌گیرم تا از داغ این غصه بمیرم».

- ۱۲ روایات فراوانی در خصوص گریه حضرت ابراهیم، (۱۸) زکریای پیامبر (۱۹)، عیسی - علیهم السلام - (۲۰) نیز گریه ملائکه آسمان، (۲۱) گریه آسمان و زمین (۲۲) و حتی گریه جانوران (۲۳) بر مظلومیت ابا عبدالله الحسین - علیه السلام - آمده که دلیل بر عظمت مصیبت سیدالشهداء - علیه السلام - و اتخاذ چنین سیاستی برای زنده نگاهداری چراغ هدایت حسینی بوده که خداوند متعال به آن اهتمام ویژه داشته است.

اینک این پرسش مطرح می‌شود که چگونه ممکن است برای اشک ریختن بر مصیبتی تا این مقدار اثر و فایده برشمرد؟ و چه رازی در این عمل نهفته است که تا این اندازه به آن اهمیت داده شده است؟

اگرچه گریه بر مصیبت و مظلومیت سیدالشهداء به ظاهر بی‌خطر و از ضعف و ناتوانی دوستداران و پیروان آن حضرت در گرفتن انتقام خون آن امام همام از دشمنانش حکایت می‌کند، و در نتیجه حساسیت حکام جور را کم‌تر بر می‌انگیزاند، در باطن خود مفهومی بس بزرگ و تأثیری بس عمیق بر جای می‌گذارد و همین تأثیر چشمگیر باعث شده است که سلاطین و حکام فاسد روزگارهای گذشته و حال کم‌کم به راز آن پی برده، در نتیجه به مرور حتی از برپایی مجالس تعزیه و نوحه‌سرایی در رثای ابا عبدالله - علیه‌السلام - ممانعت به عمل آورند.

روشن است برای اینکه قلب انسان بشکند و اشکش سرازیر شود، باید مصایب و ستمهایی که بر آن حضرت و اهل بیتش - علیهم‌السلام - روا داشته شد، بازگو و مرور شود؛ بنابراین ذکر مصایب و ستمهای وارد شده بر آن حضرت از یک سو و بازگو نمودن آزادگی، عدالتخواهی، جوانمردی و عزت و کرامت و مظلومیت و همه خوبیهای سیدالشهداء - علیه‌السلام - از سوی دیگر، داغ آن حضرت را بر دل مسلمانان و شیعیان تازه می‌سازد.

همان گونه که گذشت، ذکر مصایب، دو هیجان «خشم» و «حزن» را در دل هر شنونده‌ای ایجاد می‌نماید، و او را وادار می‌سازد که ناخودآگاه از عمق جان نغمه «یا لیتنی کنت معک فافوز فوزاً عظیماً» سر دهد و آرزو کند که ای کاش در کنار امامش می‌بود و از او حمایت و در راهش جانفشانی می‌کرد.

تأثیر دیگر بیان مصایب آن است که هر آزاده‌ای را بر آن می‌دارد تا از آنانی که بیعت شکستند و ناجوانمردی را در حق حسین - علیه‌السلام - به نهایت رسانیدند و نیز از آنهایی که به روی او و اصحاب وفادارش شمشیر کشیده، قساوت را به نهایت رسانیدند، بیزاری جوید و براءت خود را آشکارا اعلام کند.

نکته دیگر آنکه آرزوی همراهی با حسین و یارانش و بیزاری و براءت از دشمنان او تنها به زمان حسین بن علی - علیه‌السلام - خلاصه نخواهد شد؛ بلکه در هر زمانی ذهنها را به انطباق شخصیتها به حسین و یزید سوق می‌دهد، و البته محصول این تطبیق چیزی جز تقویت روحیه ستیز با یزیدیان و یاری حسینیان نخواهد بود. این همان چیزی است که هر حاکم ستمگری را به وحشت انداخته و او را حتی از نام حسین بن علی - علیه‌السلام - به هراس افکنده است.

بنابراین راز اشک ریختن بر مظلومیت حسین بن علی - علیه‌السلام - آن است که وحدت و یکپارچگی امت مصیبت‌زده را محقق ساخته، خشم آنان را برای تداوم راه آن حضرت و مبارزه با آنانی که خوی دشمنانش را دنبال می‌کنند، برانگیزاند و دوستی با دوستان آن حضرت را در میان شیعیان تقویت و دشمنی با دشمنانش را ترویج دهد.

علامه محمدتقی جعفری - قدس سره - در یکی از سخنرانیهای خود در مفهوم گریه بر ابا عبدالله - علیه السلام - می گوید:

«شاید نود درصد آنان که برای امام حسین - علیه السلام - گریه می کنند به خاطر احساس مظلومیت آن بزرگ است که البته همین طور است، و می توان گفت یکی از ابعاد خیلی مهم است، در حقیقت با این اشکها که می ریزیم مدافع مظلومیم و می خواهیم از مظلوم دفاع کنیم، بنابراین ملتی که بداند باید از مظلوم طرفداری کند مرگ ندارد.» (۲۴)

نتیجه آنکه گریه بر ابا عبدالله اگرچه در ظاهر تنها اقامه عزا و ماتم است و هیچ نوع خطری را متوجه ظالمان و ستمگران نمی کند، باطنی کاملاً متفاوت داشته، تأثیر حقیقی آن ایجاد بیزاری و نفرت از ستمگران و علاقه و محبت به حق جویان و مؤمنان واقعی خواهد بود. این چیزی نیست جز روشن ماندن چراغ هدایت حسینی و برافراشته ماندن پرچم عدالت خواهی و اصلاح طلبی و آزادی حسین بن علی - علیه السلام - برای همیشه روزگار.

از آنچه گذشت ارتباط «محرم»، «حسین بن علی - علیه السلام -» و «گریه بر مظلومیت آن حضرت» با حفظ «اسلام»، و برپایی ارزشهایی چون «جوانمردی» و «عزت جویی» و «عدالت خواهی» به روشنی آشکار خواهد شد؛ زیرا در سایه اشک ریختن بر حسین - علیه السلام - همه «ارزشها» و «خوبیها» احیاء و راه مبارزه با «زشتیها»، «بی وفاییها» و «ستمگریها» پررهور می گردد و نام «حسین - علیه السلام -» و دین جدش «محمد مصطفی - صلی الله علیه و آله وسلم -» همواره در قله افتخار بشریت در اوج عزت و سربلندی قرار خواهد گرفت. چه زیبا فرمود آنکه فرمود: این محرم و صفر است که اسلام را زنده نگاه می دارد.

لزوم هوشیاری مسلمانان

به نظر می رسد که سرکردگان کفر و شرک و صهیونیسم جهان خوار به راز محرم پی برده و تنها راه چاره را در رواج فساد و بی بند و باری در میان مسلمانان - به ویژه شیعیان - دانسته اند و تلاش فراوانی را در جهت به فراموشی سپردن نام و راه حسین بن علی - علیه السلام - آغاز نموده اند. آنها تنها مانع بر سر راه خود را پرچم سرخ «حسین بن علی - علیه السلام -» و انتظار سبز «مهدی موعود» می دانند و از اظهار آن نیز فروگذار نمی کنند و آشکارا اعلام می دارند: تا در میان شیعیان پرچم سرخ حسینی در اهتزاز و انتظار سبز مهدی موعود در قلبها موج می زند، غلبه بر آنان ممکن نخواهد بود.

به همین سبب برای سرکوبی انتفاضه ها باید «خشم» و «حزن» حسینی را از دل پیروانش بیرون برانند و ریشه عدالت خواهی و عزت طلبی را در بین آنان بخشکانند. آنان تنها راه دستیابی به این هدف نامیمون را در ترویج فساد و ابتذال یافته، با اختصاص بودجه های کلان به منظور ترویج فساد در میان جوامع اسلامی - به ویژه جوانان - حساسیت آنان را نسبت به اعتقادات و باورها می زدایند.

باید بدانیم که دین خدا به یاری ما نیاز نداشته و این ماییم که به آن نیازمندیم. پس اگر از یاری آن دست برداریم، خداوند امتی دیگر را برای یاری دینش بر می‌گزیند و تنها سرافکندگی دنیا و آخرت برای ما باقی خواهد ماند. (۲۵)

آنها باید بدانند که:

«یریدون لیطفؤوا نورالله بأفواههم و الله متمّ نوره ولو کره الکافرون.» (۲۶)

«آنها می‌خواهند که نور خدا را با دهان خود خاموش کنند، اما خدا نور خود را کامل می‌کند، اگرچه خوشایند کافران نباشد.»

پایان

پی نوشت ها:

(۱) المعجم الكبير للطبرانی، ج ۲۳، ص ۲۸۹، ح ۶۳۷؛ كنز العمال، ج ۱۳، ص ۶۵۶، ح ۳۷۶۶۶؛ سير اعلام النبلاء، ج ۳، ص ۱۵.

(۲) خصال صدوق، ص ۶۲۵، ح ۱۰؛ بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۱۰۳، ح ۱.

(۳) خصائص الائمة، ص ۴۷؛ كامل الزيارات، ص ۴۵۳، ح ۶۸۵؛ بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۱۱۶، ح ۴۴.

(۴) دلائل الامامة، ص ۱۰۲؛ نوادر المعجزات، ص ۹۶.

(۵) بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۱۴۵، ح ۱۳.

(۶) امالی مفید، ص ۳۴۱، ح ۶؛ امالی طوسی، ص ۱۱۷، ح ۱۸۱؛ بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۷۹، ح ۸.

(۷) الملهوف، ص ۲۳۳؛ مسکن الفؤاد، ص ۹۲؛ بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۱۴۹.

(۸) سيرة الائمة اثنا عشر، قسم الثاني، ص ۱۲۱.

(۹) تهذيب الكمال، ج ۲، ص ۳۹۹؛ تاريخ دمشق، ج ۴۱، ص ۳۸۶؛ مثير الاحزان، ص ۱۱۵.

(۱۰) ثواب الأعمال، ص ۱۰۸، ح ۱؛ تفسير القمی، ج ۲، ص ۲۹۱؛ بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۱، ح ۱۴.

(۱۱) مروج الذهب، ج ۳، ص ۲۴۳.

(۱۲) کافی، ج ۶، ص ۳۹۱، ح ۶؛ امالی صدوق، ص ۲۰۵، ح ۲۲۳؛ بحارالانوار، ج ۶۶، ص ۴۲۴، ح ۱۷.

ص: ۱۰

- (۱۳) ثواب الأعمال، ص ۱۰۹، ح ۱؛ بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۸، ح ۲۸.
- (۱۴) امالی صدوق، ص ۱۹۱، ح ۱۹۹؛ روضة الواعظین، ص ۱۸۷؛ بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۴، ح ۱۲.
- (۱۵) کامل الزیارات، ص ۴۷۴، ح ۷۲۳؛ بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۱۳۱، ح ۵۶.
- (۱۶) امالی صدوق، ص ۱۹۰، ح ۱۹۹؛ روضة الواعظین، ص ۱۸۷؛ بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۳، ح ۱۷.
- (۱۷) المزار، ص ۵۰۰.
- (۱۸) خصال صدوق، ص ۵۸، ح ۷۹؛ بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۲۵، ح ۶.
- (۱۹) کمال الدین، ص ۴۴۱؛ احتجاج، ج ۲، ص ۵۲۹؛ بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۲۳، ح ۱.
- (۲۰) امالی صدوق، ص ۶۹۴، ح ۹۵۱؛ بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۵۳، ح ۲.
- (۲۱) کافی، ج ۴، ص ۵۸۱، ح ۶؛ ثواب الأعمال، ص ۱۱۳، ح ۱۸؛ بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۲۳۳، ح ۱۴.
- (۲۲) کامل الزیارات، ص ۱۸۴، ح ۲۵۴؛ بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۲۱۱، ح ۲۶.
- (۲۳) بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۲۰۵، ح ۹.
- (۲۴) امام حسین شهید فرهنگ پیشرو انسانیت، محمدتقی جعفری، مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، ص ۲۶۵.
- (۲۵) رجوع شود به آیات شریفه ۵۴ از سوره مائده و ۵۷ از سوره هود و ۳۸ از سوره محمد - صلی الله علیه وآله وسلم. -
- (۲۶) سوره صف (۶۱) آیه ۸.